بهار

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: سعید پورعزیزی
زیر نظر شورای سردبیری
تلفن: ۸۸۳۸۰۸۳ فکس: ۸۳۹۵۰۷۰
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۵۳۷۷-۸۸۴۵۱۳۱-۸۳۷۶۳۶
صندوق پستی: ۱۱۵۷-۱۵۸۷۵
نشانی: تهران - خیابان شهید ملایری‌پور - پلاک ۸۰ - طبقه سوم
چاپ: پیشگامان چاپ و نشر - چاپ گستر - نشر و چاپ تهران

اوقات شرعی

اذان ظهر ۱۳/۰۴
اذان مغرب ۲۰/۳۹
اذان صبح فردا ۴/۰۳
طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

وضع هوا

	▲	▼
اصفهان	۳۷	۱۶
اهواز	۴۳	۲۶
تبریز	۳۹	۱۹
تهران	۳۴	۲۰
مشهد	۳۴	۱۶
آبادان	۴۳	۲۷

برنامه سینماهای تهران

تخته سیاه
فلسطین، سپیده، گلریز
سیب سرخ حوا
آفریقا، آستارا، بهمن(۱)، پیروزی، تهران(۱)
مومیایی ۳
قدس، سروش، بهمن(۲)، ملت، ماندانا

متولد ماه مهر
استقلال، فرهنگ، مرکزی، بلوار، میلاد
اعتراض
عصر جدید، صحرا، شهر تماشا، جوان، مراد.
عزت دار(محصول هند)
کریستال، فرخ.

پنج‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۷۹ - ۵ ربیع الاول ۱۴۲۱ - سال اول - شماره ۲۴- ۱۶ صفحه - تک‌شماره ۶۰۰ ریال

(نشانی اینترنت: http:// www. Bahar news. com)

BAHAR Vol.1,No 24, THU ,JUNE.8 ,2000

اهالی ادبیات با هوشنگ گلشیری وداع کردند

دیروز جامعهٔ ادبی کشورمان در سوگ هوشنگ گلشیری - داستان‌نویس و سردبیر ماهنامه ادبی کارنامه - جامهٔ عزا پوشید.

از همان دقایق اولیهٔ بامداد گروه گروه پیرو جوان در مقابل بیمارستان ایرانمهر گرد آمدند تا برای آخرین بار با هوشنگ گلشیری، نویسنده صاحب سبک معاصر دیدار کنند.

گلشیری که به ناگاه با انتشار رمان جادویی شازده احتجاب شگفتی آفرید، دو دهه داستان‌نویسی در ایران را تحت تأثیر قرار داد. او در قبل از انقلاب به دلیل مبارزه با رژیم ستمشاهی به زندان افتاد و این در حالی بود که داستان کوتاهی از او با عنوان «مردی با کراوات سرخ» که راجع به دوستی یک مرد مرموز ساواکی با یک نویسنده است تازه منتشر شده بود. پس از آزادی از زندان، بهمن فرمان‌آرا فیلمی بر اساس رمان شازده احتجاب ساخت که در همان سال، در جشنوارهٔ جهانی فیلم تهران برندهٔ جایزهٔ برتر مسابقه شد. هوشنگ گلشیری پس از انقلاب نیز بسیاری از پیشنهادهایی را که از آن سوی مرزها به او می‌رسید رد کرد و بر ماندن و نوشتن در این مرز و بوم پای فشرد.

گلشیری پس از زمستان ۵۷ کتاب مرده بردار کردن آن سوار که خواهد آمد (معصوم پنجم) را منتشر کرد و پس از آن دیگر نتوانست کتاب های خود را بر پیشخوان کتاب فروشی‌ها ببیند. کتاب های او یکی پس از دیگری نایاب می‌شدند، اما از تجدید چاپ آنها دیگر خبری نبود تا این که طی سال گذشته دو کتاب «آینه‌های دردار» و «دست تاریک ، دست روشن» او تجدید چاپ شد.

گلشیری به هنگام مرگ مجموعهٔ ارزشمندی از آثارش را برای ما به یادگار گذاشت. جدا از مجموعهٔ دو جلدی باغ در باغ که شامل مجموعه نقدهای او طی چند دهه اخیر است، می‌توان به شازده احتجاب، نمازخانهٔ کوچک من، کریستین و کید، مثل همیشه، رمان چند جلدی بره گمشدهٔ راعی (چاپ ناتمام)، مرده بردار کردن آن سوار که خواهد آمد، دوازده رخ، جن نامه، آئینه‌های دردار، دست تاریک دست روشن و جبه خانه اشاره کرد. بر پایه این گزارش روز گذشته هوشنگ گلشیری در گورستان امامزاده طاهر مهرشهر کرج در کنار مزار محمد مختاری و محمد جعفر پوینده به خاک سپرده شد. دراین مراسم جمعی از نویسندگان طی سخنانی به تأثیر گلشیری بر ادبیات ایران اشاره کردند.

نخستین سخنران مراسم برادر او احمد گلشیری بود.

او گفت: «یک شاعر بزرگ ایتالیایی دربیان نامه خود هنگام دریافت جایزه نوبل گفت سیاستمداران بر آنند تا انسان‌ها با شهامت بمیرند اما شاعران و نویسندگان تلاش می‌کنند تا انسان‌ها با شهامت زندگی کنند وزندگی و آثار هوشنگ مصداق این سخن است. او درآثارش همچنان که می‌کوشد لایه‌های پیدا و ناپیدای زندگی انسان را بکاود، پرده‌های ترس و عادت را می‌درد و انسانی و شجاعانه زندگی کردن را پاس می‌دارد.»

بعد از او ضیاء موحد - شاعر و منتقد- درباره نگاه نقادانه گلشیری گفت: «او اگرچه کار خود را با شعر آغاز کرد، اما شعر را رها کرد و اگرچه دیگر شعر نسرود، اما علاقه‌اش به شعر صدچندان شد. او یکی از بهترین نقادان شعر زمان بود. گاه از ساده‌ترین شعرها چنان معانی غریبی بیرون می‌کشید که جز با همدلی و مشارکت فعال در خلق شعر، نمی‌توان چنین کرد. او در شکل دادن شعر معاصر سهم بسزایی دارد.»

وی ادامه داد: «بخشی از آثار گلشیری میراثی است که بر آن مهر جاودانگی خورده است.»

جواد مجابی در ادامه مراسم در رثای گلشیری گفت: «میراث گلشیری پیش روی ماست. پوست و گوشت ذوق آوری و خلاقیت، عصب هوش، استخوان رمز، ذهن‌شاداب و مقاومش، رمز سرافرازی نسل عاشقان از رودکی تا شاعر فرداست. ذهن آفرینشگر او دمی از نوآوری باز نایستاد. او در داستان‌ها و رمان‌هایش در نقدها و پژوهش هایش، با ما در تکلم است؛ آنهم با زبان سالم و رسابیانی بدیع و دشواریاب.

شیوه‌ای موجز و چندلایه، با تخیلی بی‌پروا که تجربه و آگاهی اجتماعی، آن را غنی کرده است.»

او همچنین بازاندیشی فرهنگ ملی در قیاس بافرهنگ جهانی، همدلی با مردم در پدیدآوردن جامعه‌ای بهتر، کوشیدن به خاطر صلح و انسانیت مفقود در عرصه جهان و بیش از همه به عنوان انسانی امروزی کوشیدن برای ارتباط بهتر و گسترده‌تر با نسل پیش از خود و تلاش و همدلی ذهنی با نسل امروز را از ویژگیهای آثار و شخصیت هوشنگ گلشیری دانست.

رضا براهنی هم از تورنتو، پیامی را به مناسبت درگذشت گلشیری ارسال کرد. در بخشی از این پیام آمده است: مرگ هوشنگ گلشیری، مرگ هر کسی نیست. مرگ او مرگ یگانه‌ای است از میان سه یا چهار یگانه این زمان. در قصه کوتاه همتایی نداشت و ندارد. هم قامت هایش هدایت و چوبکند و شاید بهرام صادقی و غلامحسین ساعدی.

منیرو روانی‌پور نیز گفت: «هوشنگ گلشیری ما را بزرگ کرد. زندگی خودش را برای ما و جوان‌های علاقه‌مندی که آواره و دربه‌در بودند، گذاشت. هزاران کیلومتر را از جنوب طی می‌کردم تا او داستانی از من بخواند؛ و می‌خواند، حتی وقتی که زندگی‌اش به سختی می‌گذشت. یادم می‌آید روزی به دیدار او رفتم تا داستانی برایش بخوانم. صاحبخانه جوابش کرده بود. روی اثاثیه‌اش نشسته بود. گفتم داستانی نوشته‌ام. گفت بخوان. بخوان... همه‌چیز را مدیون او هستم. چه رنجی کشید تا این میراث را از خود برای ما بگذارد.»

کورش اسدی، یکی از داستان‌نویسان و شاگردان گلشیری درباره شخصیت و نگاه او به ادبیات توضیح داد: «ادبیات در جامعه‌ای که سیاست همه‌چیز آن است، برای هوشنگ گلشیری مقدس ترین کار جهان بود. او پس از - به قول خودش - هر نماز داستان، چنان به ریزه‌کاری‌ها و جزئیات کار می‌پرداخت که فقط از پس یک افسونگر برمی‌آمد.»

وی افزود: او از جوانمرگی و پیری وحشت داشت و شیفته این بود که جوان بمانیم. او شیفته کارهای تازه و حرف های تازه بود. آموزگاری گرامی که از آموختن بازنماند و خیلی تلاش کرد تا اسیر شلختگی و ریا نشویم و پرخاشگرانه‌ترین حالتش در برابر کوتوله‌هایی بود که سرزمین درخشان داستان، فرهنگ و زبان فارسی را گند می‌کشیدند... نه بخل داشت و نه حسادت؛ ولی برای آن کس که چیزی جز ادعای پوچ نداشت زبانش گزنده بود.

باربد گلشیری نیز درباره حس خود نسبت به پدرش در جملاتی کوتاه گفت: تحمل مرگ پدرم برایم خیلی دشوار است. او هم پدرم بود و هم هوشنگ گلشیری. از سنی که توانستم بخوانم و داستان را بفهمم، از وقتی که آثار او را خواندم برایم آدمی دیگر شد. برای همه او یا یک فامیل بود، یا هوشنگ گلشیری. برای من هر دو اینها بود. او همیشه می‌گفت وقایع بد باید زخمی در دلت بشود تا بتوانی در کارت از آن استفاده کنی و این زخم آنقدر بزرگ است که نمی‌توانم آن را در تابلوهایم بکشم. می‌خواهم کمکم کند.»

و سپس محمود دولت آبادی از هم‌نسلان او و از خاموش شدن صدای بلند گلشیری سخن به میان آورد: «صدای بلند ما خاموش شد. سال پیش آرامش و متانت ما (محمد مختاری و محمدجعفر پوینده) در اینجا دفن شد و امسال صدای بلند ما، مرگ حق است. هیچ نویسنده‌ای نیست که به مرگ نیندیشده باشد و همیشه نیندیشیده باشد و هیچ نویسنده‌ای نیست که دمی از جدال با مرگ فرومانده باشد. چراکه اندیشیدن و نوشتن و آفریدن، نفس شعله‌ور زندگی است و هوشنگ گلشیری یکی از درخشان‌ترین شعله‌های زندگی بود برای خود، برای نزدیکان ودوستان خود و برای ادبیات و برای جامعه‌ای که می‌خواهد قدمی به پیش بگذارد دریغا که او خاموش شد.» وی افزود: «او به راستی کاستی نداشت؛ به عنوان یک انسان، نویسنده، آزادیخواه و عاشق. گلشیری اصرار عجیبی برای برپا داشتن چند باره کانون نویسندگان ایران داشت. به او می‌گفتم دست بردار هوشنگ؛ این کانون وقت و عمر ما را می‌گیرد ولی می‌گفت بیا درستش کنیم و بدهیم دست جوان‌ها و خود برویم و کارمان را بکنیم... نویسندگان این مملکت به عشق این مردم، این فرهنگ و ادبیات و آن آینده عمر خود را گذاشته‌اند و مصداق عینی چنین نویسنده‌ای، هوشنگ گلشیری است. او همه عمر خود را در کار آمیختن ذهنیت خود با ذهنیت دیگران بود و فکر می‌کنم شاگردان گلشیری از این حیث نمی‌توانند کمتر از باربد اندوهگین باشند.»

آخرین نفری که در این مراسم از گلشیری گفت، فرزانه طاهری- مترجم و همسر گلشیری- بود. وی گفت: «من به همه شما تسلیت می‌گویم. به داستان کوتاه، به رمان، به همه آن رمان‌ها و داستان‌هایی که می‌شد بنویسد و نوشت. به همه آن‌ها که کتابهایش را خوانده‌اند. به نسلی که اجازه نیافتند کتابهایش را بخوانند. به آنها که داستانها و شعرهایشان را تا برایش نمی‌خواندند تمام شده نمی‌پنداشتند. به آنها که نقدهایشان را می‌خواندند و نوشتن را از او آموختند. به آنها که دوشادوش او در راه آزادی قلم و بیان و اندیشه جنگیدند. به اعضای کانون نویسندگان ایران و به آنها که قلم خود را نفروختند.»

گفتنی است در این مراسم مطرح شد که قرار است جایزه‌ای با نام هوشنگ گلشیری به همت ماهنامه ادبی «کارنامه» و همکاری تعدادی از نویسندگان به برترین داستان سال اهدا شود.

همچنین فردا مجلس یادبودی در مسجد الرضا واقع در خیابان خرمشهر (آپادانا)، میدان نیلوفر در ساعت ۱۶/۴۵ تا ۱۸/۱۵ برگزار خواهد شد.

نسبت ریش و پشم با اندیشه

ادامه از صفحه ۴

است و نه به بهترین وجه دفاع کرده است. تبیین‌های ایدئولوژیک و سیاسی ایشان از آزادی، امیدبخش و شورآفرین است. آقای خاتمی، در حال حاضر، بهترین نماد آزادیخواهی در ایران است. او مدیریت سیاسی و تا حدودی فکری و جنبش اصلاحات را برعهده دارد و بنابراین شعار «آزادی اندیشه، با ریش و پشم نمی‌شه» را خنثی و بی‌اثر می‌سازد.

جوانان فهیم ما قطعاً همچون یکی از سلاطین روسیه، رمز موفقیت اروپاییان را در «بی‌ریشی» نمی‌دانند و همچون تقی‌زاده معتقد نیستند که برای توسعه و پیشرفت و به سطح علمی و فنی غرب رسیدن، باید از نوک پا تا فرق‌سر اروپایی شوند.

شعار مذکور از آنجا که نه «شمولیت» دارد، نه از «پشتوانهٔ منطقی» برخوردار است و نه شعاری وحدت طلبانه است و از سوی دیگر، شعاری فرمالیستی و ابطال شده‌است، باید کنار گذاشته شود. این شعار، در شأن جوانان و نوجوانان ایران نیست و به همان میزان ساده‌انگارانه است که شعار «آزادی اندیشه، با سوت و کف نمی‌شه».

سونات ۲۶ بتهوون به احترام هوشنگ گلشیری

استاد دانشگاه موسیقی وین به احترام «هوشنگ گلشیری» مارش عزا نواخت.

به گزارش خبرنگار بهار: «کلیمس تسایلینگر» استاد دانشگاه موسیقی وین (پایتخت موسیقی جهان) که برای اجرای رسیتال پیانو به ایران سفر کرده است، در نخستین تک نوازی خود که در سالن رودکی تالار وحدت برگزار شد به احترام هوشنگ گلشیری برنامه اجراهای خود را تغییر داد. بر پایه همین گزارش: تسایلینگر که قرار بود در جایی از برنامه سونات ۲۱ بتهوون را بنوازد، این سونات را اجرا نکرد و سونات ۲۶ بتهوون را که موومان سوم آن یک مارش عزاست، جایگزین سونات قبلی کرد. گفتنی است: دکتر مشایخی (مجری برنامه) در گفت وگو با خبرنگار ما اظهار داشت: «تسایلینگر خود در جریان مرگ هوشنگ گلشیری قرار گرفته است و بدون اعلام قبلی تصمیم به این تغییر گرفته ست.»

بزرگداشت استاد رضوی سروستانی و آواز شجریان

مراسم تجلیل از استاد رضوی سروستانی عضو هیأت مدیره خانه موسیقی و شورای عالی موسیقی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از هنرمندان کشور در تالار وحدت برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی مرکز موسیقی: در این مراسم که ساعت ۱۹ روز شنبه ۲۱ خرداد برگزار خواهد شد. جمعی از هنرمندان ممتاز کشور به ارائه سخنرانی و اجرای برنامه موسیقی خواهند پرداخت. شنیده‌ها حاکی از آن است که دراین برنامه استاد «محمدرضا شجریان» با همراهی استاد «حسین علیزاده» به اجرای موسیقی خواهند پرداخت.

بزرگداشت طریقی در اصفهان برگزار شد

آئین نکوداشت استاد «امان الله طریقی» باحضور جمعی از هنرمندان و هنردوستان در مهمانسرای عباسی اصفهان برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی دراین مراسم که سه‌شنبه شب برگزار شد، استاد حسن کسایی، استاد رستم شیرازی و استاد سپنتا هر کدام جداگانه درباره طریقی و آثار خلق شده‌اش سخن گفتند و همچنین لوح تقدیری از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به «خدیجه رشتی» همسر هنرمند اهدا شد بر پایه همین گزارش: استاد امان‌الله طریقی متولد ۱۳۰۲ اصفهان و دانش آموخته هنرستان هنرهای زیبای این شهر است.

وی نقاشی را نزد استاد بهادری و معیری و عکاسی را در کنار غلامحسین درخشان و میرزا مهدی چهره‌نگار آموخته است.